

مهدی روشن ضمیر
استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان
(دکتر درخاوردشناسی)

مجله گرامی بررسیهای تاریخی

در شماره ۳ سال هفتم آن مجله در صفحه ۲۸۷ خواندم که آقای توماس - ام. رایکس Tomas M. Reiks از دانشگاه ایندیانا ای امریکا ضمن نامه‌ی محبت آمیز خویش درباره مقاله انتقادی اینجانب اظهار نظری نموده‌اند. واقعاً باعث کمال خوشوقتی است که خوانندگان و فرهنگ دوستانی چنین موشکاف و دقیق در نقاط مختلف دنیا از جمله امریکا به مقالات مجله بررسیهای تاریخی توجه دارند. اما در خصوص آنچه بنده درباره نیروی دریایی ایران در زمان کریم‌خان زند نوشته‌ام اغراق نبوده و هنوز هم بهمان عقیده هستم و معتقدم که نیروی دریایی ایران در زمان کریم‌خان زند نسبتاً نیرومند بوده است.

درباره چگونگی بوجود آمدن نیروی دریایی ایران، اینجانب در مقاله انتقادی خود در شماره پنجم سال ششم مجله بررسیهای تاریخی و همچنین در شماره ۳ سال هفتم آن مجله مطالبی نوشته‌ام و بطوریکه همه‌ی منابع و مآخذ ایرانی و اروپایی گزارش میدهند، کلیه کشتی‌های میرمهنای زعابی یعنی

کشتیهائی که وی یا خود داشته و یا از هلندیها وسایر ملل - از جمله کشتی Speedwell انگلیسها - گرفته و جزو نیروی دریائی خود کرده بود، پس از فرار او تماماً تحویل دولت ایران شده است. آبراهام پارسونس که در دوران مورد بحث ما، دربندر بصره اقامت داشته و هنگام حمله نیروی زمینی و نیروی دریائی ایران به بندر بصره در آنجا بسر میبرده است، در کتاب خود:

Travel in Asia and Africa, London 1808

در صفحه ۱۹۷ چنین مینویسد:

«... Karim Khan, ... so that he become master of the island Karak, With an immense quantity of merchandiz, ammunition, many galliotes, and some treasure...»

آقای رایکس نوشته اند: «... زیرا نه حکومت ایران و نه خود کریم خان کشتیهای خاص را نداشتند ولی ساکنین خلیج فارس حتی ناخدایان و راهنمایان و ملوانان با حکومت ایران و شخص کریم خان همکاری نزدیک داشتند، بدنیست بدانیم که آیا آن همه کشتی، که پس از فرار میرمهنا، در جزیره خارک وجود داشته و بنا بر گفته همه مورخین از جمله آبراهام پارسونس و آرنولد ویلسن و غیره، تحویل کریم خان شده بود بکجا رفته اند؟

آن کشتیها را چه کسی جز دولت ایران برفع خود ضبط نموده است؟ بانفوذترین شخصیتی که در آن زمان در خوزستان و نواحی خلیج فارس دارای قدرت فراوان و نیروی دریائی نسبتاً خوبی بود، شیخ سلیمان رئیس طایفه کعب بود و بطوریکه میدانیم وی حاکم دست نشانده کریم خان در آن ناحیه بوده است.

شیخ سلیمان در سال ۱۱۷۹ هجری (۶-۱۷۶۵ میلادی) در اروندرود (شط العرب) مزاحم کشتیهای انگلیسی شده و سه فروند از آنها را توقیف نمود. پس از چندی شرکت هند شرقی انگلیس با ارسال کشتیهای جنگی و با کمک کشتیهای دولت عثمانی به شیخ سلیمان حمله کرد. نامبرده سه کشتی مزبور

را به آتش کشیده و در صدد دفاع برآمد. کریم خان در ضمن ارسال یادداشت‌های شدیدالحنی به انگلیسها و عثمانیان اعتراض نموده حمله بخاک ایران را عمل خلاف دانسته خروج فوری آنانرا خواستار شد.^۱

پس چنانچه شیخ سلیمان هم نیروی دریائی داشته است چون وی یکی از حکام ایرانی و مأمور دولت ایران بوده است کشتیهای او نیز متعلق بدولت ایران بوده و چنانچه بعدها خواهیم دید ناوگان وی در جنگ بصره نیز شرکت داشتند. آبراهام پارسونس در باره بوجود آمدن نیروی دریائی ایران توسط کریم خان زند چنین نوشته است :

«At length , in the year 1768 , Karim Khan , the sovereign of persia, having by great assiduity built and armed many galliotes, gave order to the governor of Bushehr to man them.»^۲

د بالاخره کریم خان ، شهریار ایران در سال ۱۷۶۸ با پشت کار و کوشش فراوان ، کشتیهای جنگی زیادی ساخته و مسلح نموده و فرمان داد تا فرماندار بوشهر برای تأمین نفرات و هلوانان آنها اقدام نماید .

همین شخص در کتاب خود در صفحات ۱۶۸ و ۱۷۳ در باره نیروی دریائی ایران گزارشاتنی داده است. اگر دولت ایران و یا کریم خان زند دارای نیروی دریائی نبود چگونه میتوانست در سال ۱۷۷۳ جلوی کشتیهای انگلیسی را گرفته و یکی از آنها بنام تایگر Tyger را توقیف کرده به بندر ریگ بفرستد و سپس دونفر از سرنشینان انگلیسی آن بنامهای Green و Baumont را بشیراز فرستاده تحت نظر قرار دهد؟^۳

۱- ر.ک. مقاله نگارنده در مجله بررسیهای تاریخی شماره ۲ سال ششم ص ۲۸۸ .

2- Travel in Asia and Africa , London 1808, P. 195 .

3- Travel in Asia . . . , P. 184, Irwin Eyles, A Series of adventures in the cours of a voyage up the Red - Sea ... , London 1787, P. 377 - 8

و همچنین به کتاب Die Zand - Dynastie بزبان آلمانی اثر نگارنده چاپ هامبورگ

۱۹۷۰ - ص ۷۳ پیوسته .

آیا میتوان باور داشت که توقیف این کشتی و فرستادن آن دو نفر انگلیسی به پایتخت ایران یعنی شیراز نیز بدست « همکاران دریانورد » کریمخان صورت گرفته است ؟

مطلب دیگر آنکه کریمخان زند چگونه بدون داشتن نیروی دریائی خیال حمله به يك بندر مهم را داشته است ؟ آیا تمام امید وی به « همکاری نزدیک ساکنین خلیج فارس » بوده است ؟ تنها کسی که هنگام محاصره بندر بصره همکاری میکرد شیخ طایفه کعب بود که خود یکی از حکام ایرانی بوده است .

اما در آنجا که آقای رایکس مینویسند : « بنا بر این در موقع صحبت در باره دوره زندیه استفاده از کلمه همکاری بهتر از کلمه مالکیت میباشد . » تنها در باره دوره زندیه در آغاز کار کریمخان و پس از مرگ وی صدق میکند و بنده بسا نظر ایشان کاملاً موافق هستم و چنانچه بنده عبارت « دوره زندیه » نوشته ام مسلماً منظورم فقط زمان کریمخان بوده است چون این مسئله واضح است که پس از مرگ کریمخان و روی کار آمدن زکی خان و بلافاصله علی مراد خان زند ، وضع سیاسی ایران و بالنتیجه خلیج فارس دستخوش آشوب گردیده و تمام کوشش علی مرادخان صرف زدو خورد با آقامحمدخان قاجار گشته و فرصتی برای وی باقی نمیماند تا ب فکر خلیج فارس باشد .

زمانی هم که سلسله قاجار روی کار آمد بسبب جنگهای متوالی در شمال و شرق ایران کسی به خلیج فارس و نیروی دریائی آن توجهی نداشته و به آن امر مهم اهمیتی داده نشده است .

اولین کسی که پس از زمانی طولانی ب فکر تأسیس نیروی دریائی افتاده و در صدد تأمین امنیت در سواحل خلیج فارس برآمد اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود که با خرید کشتی های جنگی توانست اوضاع نابسامان آن ناحیه را سر و صورت داده که باز خود گذشتگی ها و زحمات فراوان بانی نیروی دریائی مدرن کنونی ایران گردد .

اصفهان - محمد حسن رجائی زفره‌ای

مجله محترم بر رسمیهای تاریخی

جناب آقای محمد شیروانی از روی میکروفیلم جنگ کتابخانه شهرداری اصفهان که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است فتح نامه اصفهان را در شماره یک سال ۷ (مسلسل ۳۸) بچاپ رسانده و اضافه نموده تاریخ ندارد و قرائن و اشاراتی هم در آن دیده نمیشود و الخ

آقای غلامعلی ملا ابراهیمی در شماره ۳ سال ۷ مرداد و شهریور ۵۱ که معلوم میشود یکی از محققین میباشند و بقرینه خط و سایر جهات دلائلی آورده و از حق نمیتوان گذشت زحمتی کشیده و با دیدن یک صفحه یا دو صفحه همانقدر دلیل آوردن کافی است و اگر مطلبی که بنده در مجله و حید خوانده بودم ندیده بودم نمیتوانستم همان توضیح را هم بنویسم. در مجله ماهانه و حید شماره ۸ سال ۲ مرداد ۴۴ بقلم محقق و مورخ ارجمند جناب آقای محمد علی - معلم حبیب آبادی که خود نیز کتابدار کتابخانه شهرداری اصفهان بوده و اصل جنگ را بارها دیده و از روی آن رونویسی جهت مرحوم دکتر قاسم - غنی برداشته اند مقاله ای درباره شناسایی این جنگ که جمعا ۷۷ موضوع و یکی از آنها « فتح نامه اصفهان » است دارند. بخلاصه اینکه تاج الدین - احمد در سال ۷۸۲ قمری در استان فارس آنرا تدوین و بچند نفر از رجال داده تا هر کدام مطالبی بخط خود در آن بنویسند. این جنگ از ماه صفر

۷۸۲ تا شوال ۷۸۲^۱ سال مرقوم نوشته شده . از ذکر بقیه جزئیات مانند اینکه شایع شده خط حافظ شیرازی در آن است و یا اینکه جنگ بدست ناشی صحافی شده و یا در سال ۹۱۱ در هرات بوده و فهرست نویسندگان آن خودداری شد .

در مجله دانشکده ادبیات تهران شماره ۲ سال ۱۴ آذر ۱۳۴۵ که آقای دکتر حسین بحر العلومی نامه شهاب الدین سهرودی خطاب به کمال الدین اسماعیل اصفهانی (بعد از مرگ آنها) نقل کرده صراحت دارد که از ماه صفر ۷۸۲ تا ماه شوال همان سال انجام شده .



۱ - بجای شوال ۷۸۲ فکر میکنم ذی القعدة ۷۸۲ صحیح باشد . رجالی زفره ای

مجله محترم بررسیهای تاریخی

محترماً زحمت میدهد اگر بعضاً در مندرجات رونوشت پاره اسناد فتو کپی شده در آن مجله شریفه از طرف فدوی اظهار نظری شده و موجب تصدیع میشوم علتی جز کثرت علاقه‌ای که به آن مجله شریفه دارم نمیباشد و نمی‌خواهم مجله‌ای که شهرت جهانی دارد و بعلاوه از کشور عزیز خودمان ایران در غالب ممالک دانشمندان و فضیای ایران شناس مطالب آنرا باامعان نظر مطالعه میکنند مورد ایراد و نکته سنجی واقع گردد امیدوارم که هیأت تحریریه نیز باسعه صدری که دارند این مزاحمت فدوی را مورد عنایت قرار داده و در صورتیکه صلاح بدانید مقرر فرمایند مندرجات این وجیزه نیز در یکی از شماره‌های آن مجله شریفه منعکس گردد.

در رونویس فتو کپی مندرجه در صفحه ۲۸۴ شماره ۳ سال هفتم آن مجله کلمات یا جملاتی که خواننده نشده و نقطه چین گردیده صورت صحیح آنها بشرح زیر درج میشود:

- ۱- در سطره کلمه خواننده نشده (مابین) است
- ۲- « ۶ جمله صحیح (مشارالیهها بوده و بدو شققت..) میباشد
- ۳- « ۸ کلمه خواننده نشده (و کلاء اووا گذارند) بوده
- ۴- « ۸ (مال الأخرجات) درست است
- ۵- « ۱۱ کلمه خواننده نشده (معاونه) میباشد
- ۶- « ۱۳ « « « (در این باب) بوده
- ۷- « ۱۴ جمله خواننده نشده (از مقتضی قبض سهوی در نگذرنند) میباشد.
- ۸- در حاشیه سطر دوم مضمون مهر (آیت الکرسی و بعد حفظهما لله العلی العظیم) اشتباه و درست آن (آیت الکرسی تا حفظهما وهو العلی العظیم و بعد اسماعیل بن حیدر بن جنید صفوی) میباشد

باعرض صمیمانه‌ترین سپاسها - محمدعلی زینی

درباره مهر های شاه اسماعیل اول

مجله محترم بررسیهای تاریخی :

با تقدیم مراتب احترام بعرض میرساند. در بخش دوم شماره ۳ سال ۷ آن مجله یکی از خوانندگان از تبریز (جناب آقای رسول علاف فتاحی) فرمانی از شاه اسماعیل بتاریخ ۹۰۹ هجری ارسال داشته بودند که در ذیل آن مهر جدیدی از شاه اسماعیل منقوش بود و موجب مسرت علاقه مندان و کسانیکه در این راه تحقیق مینمایند گردید. زیرا بکلی تازه بود و نظیر آن دیده نشده بود و با این ترتیب تا کنون سه گونه مهر از شاه اسماعیل اول بشرح زیر بدست آمده و معرفی گردیده است:

۱ - مهری که در بسیاری از فرامین آن پادشاه مورد استعمال داشته و معرفی گردیده و کم و بیش معروف بوده و در صدر فرامین زده میشده و آن مهر گرد کلاهک داری است که بشکل تقریبی تخم مرغ نوک تیز و مانند صفحه اسطربلاب است و کلمات سجع مهر بشرح زیر از بالای مهر با خط ثلث زیبا شروع شده و به قاعده مهر منتهی می شود:

«اللهم صل علی محمد مصطفی، علی مرتضی، حسن رضی،
حسین شهید بکر بلا، علی زین العابدین، محمد باقر، جعفر
صادق، موسی کاظم، علی بن موسی رضا، محمد تقی،
علی نقی، حسن عسکری، محمد مهدی، العبد اسمعیل بن -

حیدر صفوی ۹۱۴»



که عکس آن را در این جا ملاحظه می فرمائید، این عکس را از سند شماره ۱۱ کتاب (فراهمین فارسی (ماتناداران) چاپ ایروان، سال ۱۹۵۶ میلادی برداشته ایم و ما برای سهولت خواندن از اندازه اصلی بزرگتر کلیمه کرده ایم.

متن سندی که مورد استفاده قرار گرفته تاریخ شوال ۹۱۵ را دارد و مهر در صدر سند، گوشه راست فرمان بعد از هوالله و ذکر (بسم الله الرحمن الرحيم) و کلمات (یا علی) و الحکم لله و طغرای زیبای (ابوالمظفر اسمعیل بهادر

سیوزومیز) زده شده است و اطراف مهر خود فرمان بشکل بسیار جالبی تذهیب شده است (باید توجه داشت که در تداول امروزی مکالمات و نوشته کتابها لقب نام امام دوم که در سجع بالا (حسن رضی) قید شده است، حضرت مجتبی است).

مرحوم رابینونیز در کتاب بنام *Coins, medals and Seals of IRAN* عکس این مهر را آورده است ولی با اینکه رقم ۹۱۴ در قسمت پائین سمت چپ مهر بوضوح دیده می شود معلوم نیست چگونه در ص ۲۹ کتاب، آنرا ۹۱۳ قید کرده است.

۲ - مهری است که مؤلف کتاب (فارسنامه ناصری) مرحوم می-رزا حسن- فسائی در ص ۹۱ آن کتاب بشرح زیر توصیف میکند:

«برتاج شاهی (منظور حقیقه مهر است) یا الله ودر داخل دایره خالی آن (غلام شاه مردان اسمعیل بن حیدر) ودر کناره آن دایره: چرخ بر دوش کشد غاشیه شاهی ما گر کند بدرقه لطف تو همراهی ما نقش بسته است. انتهى»

نویسنده این سطور در جستجوی مستمر چندین ساله خود نتوانسته ام سند و فرمانی که این مهر بر آن نقش بسته باشد پیدا کنم، لذا از خوانندگان محترم و اهل تحقیق تقاضا دارد اگر چنین مهری را دیدند عکسی از آن با مشخصات سند و فرمان و توضیحات لازم دیگر برای استفاده طالبین و ضبط تاریخ به مجله بررسیهای تاریخی ارسال فرمایند.

۳ - همین مهری است که جناب آقای رسول فتحی از تبریز ارسال فرموده معرفی کرده اند و موجب امتنان و سپاس خواهد بود که جناب ایشان يك

عکس روشن و بزرگ از نقش مهر آن فرمان تهیه کرده و برای درج در مجله ارسال فرمایند تا مورد استفاده قرار گیرد.

ضمناً معلوم می‌گردد شاه اسماعیل در ابتدای کار و سالهای اولیه پادشاهی خود مهر خود را در زیر فرمان نقش می‌زده است و در سالهای بعدی مهر را در صدر فرمان می‌زده است.

با تقدیم احترام - محمد مشیری

